

**A New Edition which is not so New:  
A Critique on the Most Recent “Edition” of  
Avicenna’s “*Dānešnāmeḥ-ye ‘Alāyī*”**

**Hanif Amin Beidokhti\***

**Abstract**

Here, I examined the most recent “edition” of Avicenna’s “*Dānešnāmeḥ-ye ‘Alāyī*” published by Mawlā Publishing house. With this aim, I provided an overview of the editorial and publishing genealogy of the *Dānešnāmeḥ*, and then of Mawlā’s edition. I considered a number of errors and shortcomings exhibited by the latter, whilst acknowledging some of its merits. Identifying certain systematic flaws in the editorial techniques that inform Mawlā’s edition, on the one hand, and a structural mistake that has entirely ruined one of the main philosophical innovations of the *Dānešnāmeḥ*, on the other hand, I detected that Mawlā’s “edition” is an unprofessional reprint of the previous editions done by Mo‘īn, Meškāt and Bīneš. I observed that the long preface to the text bears no relation to the *Dānešnāmeḥ*, and provides scholars with no useful insight into either Avicennan philosophy or the *Dānešnāmeḥ*. Concluding that Mawlā’s “edition” is woefully lacking, I suggest that it has no advantage over the previous *standard* editions.

**Keywords:** Avicennan Philosophy, Critical Review, Avicenna Scholarship, Textual Genealogy, Textual Criticism, Critical Introduction.

\* Postdoctoral Researcher (Fritz Thyssen Fellow), Ludwig-Maximilians-Universität München, Munich School of Ancient Philosophy, Munich, Germany, Hanif.Aminbeidokhti@campus.lmu.de

Date received: 15/09/2021, Date of acceptance: 22/12/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## ویراست / تصحیح تازه‌ای که تازه نیست:

### بررسی انتقادی واپسین چاپ دانش‌نامه علایی:

#### منطق، طبیعیات، موسیقی، الهیات

حنیف امین بیدختی\*

#### چکیده

در نوشته‌ی پیش رو به بررسی واپسین چاپ دانش‌نامه‌ی علایی ابن سینا می‌پردازم که به همت انتشارات مولی منتشر شده است. در این راستا افزون بر تاریخچه‌ی چاپ و ویرایش دانش‌نامه‌ی علایی، و ترجمه‌های آن به زبان‌های اروپایی، تبارچاپی «تصحیح» منتشره‌ی مولی را نشان می‌دهم، و گوشه‌ای از درستی‌ها و نادرستی‌های رخ داده در کار خطیر ناشر و دیباچه‌نگار دانش‌نامه را گوشزد می‌کنم. نشان خواهم داد که چاپ تازه حاوی خطاهای روشی و بنیادینی است که باعث می‌شوند چاپ مولی از نظر تصحیح و چاپ اثری ناکام باشد، و از نظر فلسفی مهم‌ترین نوآوری ساختاری ابن سینا را ضایع کرده باشد. خواهم گفت که دیباچه‌ی بلند دانش‌نامه‌ی چاپ مولی هیچ پیوندی با متن کتاب ندارد و از نظر پژوهشی نیز چیزی به دانسته‌های پژوهشگران پیرامون دانش‌نامه‌ی علایی و فلسفه‌ی ابن سینا نمی‌افزاید. نتیجه خواهم گرفت که چاپ انتشارات مولی هیچ مزیتی بر چاپ‌های پیشین، که به صورت چاپی یا دیجیتالی در دسترس ابن سینا پژوهان قرار دارند، ندارد.

**کلیدواژه‌ها:** فلسفه سینوی، تصحیح متون، ابن سینا پژوهی، تبارشناسی متون، متن پژوهی، دیباچه‌نگاری.

\* پژوهش‌گر پسادکتری (پژوهش‌گر فریتز توسین)، دانشگاه لودویگ ماکسیمیلیان مونیخ، مدرسه فلسفه باستان، Hanif.Aminbeidokhti@campus.lmu.de

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

## ۱. مقدمه

انتشارات مولی در سال ۱۳۹۴ چاپ تازه‌ای را از نوشته‌ی گرانسنگ فیلسوف نامی فارسی‌زبان، خواجه رییس پور سینا<sup>۱</sup>، روانه‌ی بازار کتاب کرده است.<sup>۲</sup> بازچاپ این اثر مهم و مهجور خبری خوش برای دوست‌داران فلسفه‌ی باستان، فلسفه‌ی دوران میانه و فلسفه در جهان اسلام است. آماج این نوشته بررسی چاپ تازه‌ی *دانشنامه‌ی علایی* و سنجش صواب و خطای رخ داده در آن است. همچنین نگاهی به دیباچه‌ی استاد صدوقی<sup>۳</sup> سها بر این نوشته می‌افکنم تا نکته‌هایی را در مورد پژوهش در تاریخ فلسفه و ابن سینا پژوهی خاطر نشان کنم.

بنا بر تازه‌ترین پژوهش‌های ابن سینا شناسان، *دانشنامه‌ی علایی* در زمره‌ی نوشته‌های دوران پختگی خواجه رییس (Gutas 2014: 165)<sup>۴</sup> و بلکه واپسین جامع (*summa*) اوست.<sup>۵</sup> شرح جنبه‌های گوناگون اهمیت *دانشنامه‌ی علایی*، از گستره‌ی غرض‌های این نوشته بیرون است، و نگارنده بر سر آن است که گوشه‌هایی از آن را در نوشته‌ای دیگر بکاود. آماج نوشتار پیش رو تنها بررسی چاپ تازه‌ی *دانشنامه* است.

## ۲. از حیدرآباد تا همدان: پیشینه تصحیح *دانشنامه‌ی علایی*

در ابن سینا پژوهی معاصر *دانشنامه‌ی علایی* با نام دانشمندانی چون محمد معین و سیدمحمد مشکوه<sup>۶</sup> گره خورده است. این دو نفر، و به ویژه محمد معین، مصصحن مشهورترین چاپ *دانشنامه* هستند، که *دانشنامه‌ی علایی* را، که مجموعه‌ای کامل (جامع: *summa*) در فلسفه‌ی ابن سینا است، برای نخستین بار در ایران و به مناسبت جشن هزاره‌ی ابن سینا ویراستند و به کوشش انجمن آثار ملی در سال ۱۳۳۱ به چاپ رساندند. این چاپ در سه کتاب مستقل بر اساس موضوع هر علم (به واقع تنها سه علم از چهارهفت علم) منتشر شده بود: منطق (ویراسته معین و مشکوه) در یک جلد، الهیات (معین) و طبیعیات (مشکوه) نیز در دو کتاب دیگر.<sup>۷</sup>

بخش‌هایی از *دانشنامه‌ی علایی* اما پیشتر از این هم چاپ شده بودند: نخستین بار حدود یک‌صدویست سال پیش (۱۳۰۹ هجری قمری) بخش‌های منطق، الهیات و طبیعیات *دانشنامه* به همت مطبعه‌ی فیروز در حیدرآباد هندوستان به چاپ رسیده بود. این چاپ

ویراست / تصحیح تازه‌ای که تازه نیست: ... (حنیف امین پیدختی) ۷۳

البته به گفته‌ی سید احمد خراسانی، که در ۱۳۱۵ خورشیدی بخش‌های منطق و الهیات (فلسفه‌ی اولی) را ویرایش و چاپ نمود، «به قدری مغلوط است که بی اغراق سه خط متوالی بدون غلط در آن یافت نمی‌شود» (خراسانی ۱۳۶۰، مج). چهل و شش سال بعد، خراسانی با آگاهی از کاستی‌های چاپ حیدر آباد، دست به ویرایش *دانشنامه‌ی علایی* بر پایه‌ی پنج دستنویس ایرانی و نسخه‌ی چاپی حیدر آباد زد، و بخش‌های منطق و الهیات را در ۱۳۱۵ به چاپ رساند. در پیشگفتار سودمند خود بر این ویراست، خراسانی وعده‌ی ویراست بخش‌های دیگر را نیز — در قالب جلد دوم *دانشنامه* مشتمل بر بخش‌های طبیعیات، هندسه، هیئت، ارثماطیقی و موسیقی — به خواننده‌ی خود می‌دهد، اما این وعده شوربختانه محقق نمی‌شود.

آخرین چاپ سال‌های پیش، که با همکاری دانشگاه بوعلی سینای همدان و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در سال ۱۳۸۳ عرضه شده بود، در واقع بازچاپ همان چاپ اصلی است که دیگر بار در سه مجلد منتشر شده بود. در این آخرین چاپ مقدمه‌ای مشروح و دانشورانه از مهدی محقق به اثر افزوده شده است که آگاهی‌های روزآمدی در مورد زندگی فلسفی خواجه رییس در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. دست آخر، بخش موسیقی *دانشنامه‌ی علایی* با ویرایش تقی بینش، سال‌ها پس از چاپ سه بخش نامبرده (۱۳۷۱) در کتاب *سه رساله‌ی فارسی در موسیقی* توسط دانشگاهی منتشر شد (ابن سینا و دیگران، ۱۳۷۱، ۳۰-۳).

چنان‌که یاد شد، بخش‌های دیگر *دانشنامه*، که دربرگیرنده‌ی دانش‌های ریاضیاتی هندسه، ارثماطیقی، هیئت و موسیقی بود، به جز این واپسین بخش — تا جایی که نگارنده آگاهی دارد — هرگز ویراسته نشدند، یا اگر شده‌اند، به چاپ نرسیده‌اند. اگرچه معین در مقدمه‌ی خود می‌گوید که تصحیح این بخش‌ها بر عهده‌ی مجتبی مینوی گذاشته شده بوده است. چرایی این غفلت بر ما پوشیده است، شاید چون باور پژوهشگران، با تکیه بر گواهی دستیار ابن سینا، ابوعمید جوزجانی، بر این است که ریاضیات نگاشته‌ی خود خواجه رییس نبوده است، بلکه به دست جوزجانی نگاشته شده، وزینرو از اهمیتی کمتر از دیگر بخش‌ها برخوردار است. این اگرچه شاید درست باشد، کم‌لطفی در حق *دانشنامه* و شیخ و جوزجانی است. هر چه باشد، جوزجانی، به گواهی خود، این مجموعه را بر اساس نوشته‌های خود شیخ الرئیس فراهم نموده و هر چه باشد خود او گواهی می‌دهد که شیخ را

نوشته‌ای بوده است به فارسی در ریاضیات، «و از بزرگ تصانیف او دانش‌نامه علایی است» ولی «آنچه در او از ریاضیات بکرد، ضایع شده بود و بدستم نیافتاد» (معین، ابن سینا ۱۳۳۱، الهیات، ز). اگر بنا را بر راستگویی جوزجانی بگذاریم و بیانگریم که او به حقیقت چیزی از آن نوشته‌ی فارسی در دست نداشته است، باز هم این بخش به‌عنوان یکی از نخستین نگاه‌های علمی فارسی<sup>۶</sup> شایسته‌ی توجه و پژوهش است. وانگهی، تنها با ویرایش این بخش‌هاست که دانش‌نامه تبدیل به جامعی در دانش‌های سینوی می‌گردد.

خراسانی بر پایه‌ی پژوهش نسخه‌شناختی خود تذکر می‌دهد که نسخه‌های متعددی از دانش‌نامه در کتابخانه‌های مختلف جهان وجود دارند. این به نظر او نشان از استقبال آموزندگان و آموزانندگان از این جامع فارسی دری دارد و این که «این کتاب چندی کلاسیک شده» است، به این معنا که به گستردگی مورد استفاده‌ی دانش‌آموزان و آموزگاران قرار گرفته است (همان، مب-مج).<sup>۷</sup> این مشاهده‌ی دقیق می‌تواند نشانه‌ی آن باشد که دانش‌نامه توانسته است یکی از منابع الهام‌اندیشه‌های فلسفی در دوران میانه در سرزمین‌هایی بوده باشد که این نسخه‌ها در آنها بسیار یافت می‌شدند، در شمال هندوستان، ایران‌شهر و سرزمین‌های عثمانی؛ البته برآورد میزان این تأثیر بدون پژوهش متنی و تاریخی نظام‌مند ممکن نیست. نخستین و مهم‌ترین گام در این راستا نیز تهیه‌ی ویراستی انتقادی و کامل از دانش‌نامه است. خراسانی همچنین به اختلافات فراوان میان دست‌نوشته‌ها اشاره می‌کند، که گویای دشواری‌های موجود بر سر کار ویرایش دانش‌نامه است.

دانش‌نامه همچنین به زبان‌های فرانسه و انگلیسی نیز ترجمه شده است. محمد آشنا و آنری ماسه ترجمه‌ای کامل و دقیق از کل دانش‌نامه را (از جمله بخش‌های تصحیح نشده مانند ریاضیات) به زبان فرانسه فراهم آورده‌اند. پرویز مروج بخش الهیات را همراه با تفسیر به زبان انگلیسی ترجمه کرده است. بخش منطق دانش‌نامه را فرهنگ ذبیح و قسمتی از بخش طبیعیات را جمیله جوهری به انگلیسی برگردانده‌اند. ولی ترجمه‌های انگلیسی فاقد دقت کافی‌اند.

### ۳. دانش‌نامه‌ی علایی: تبارشناسی چاپ مولی و دیباچه‌ی استاد صدوقی سنها

با در نظر داشتن این آگاهی‌ها، هنگامی که خواننده‌ی علاقمند به ابن سینا و دانش‌نامه‌ی علایی با چاپ انتشارات مولی رویاروی می‌شود، نخستین پرسشی که به ذهن او می‌رسد این است که چاپ انتشارات مولی چه طور ویراستی از دانش‌نامه است؟ آیا ویراستی تازه است؟ اگر چنین است، چه نسبتی با چاپ‌های پیش از خود دارد؟ بر پایه‌ی کدام دست‌نوشته‌ها ویرایش شده؟ چاپ تازه از چه مزیت‌هایی برخوردار است و چه ضرورتی باعث چاپ تازه شده؟ آیا ویرایشگر تازه، اگر پای چنین کسی در میان است، اشکالی در کار ویرایش‌گران پیشین دیده است؟ چنانکه خراسانی اشکالات فراوانی در چاپ حیدرآباد یافته بود و معین‌مشکوه (مینوی) سر آن داشتند که کار ناتمام خراسانی را به پایان رسانند. اشکال چاپ‌های پیشین، به خصوص چاپ ۱۳۸۳، چه بوده است که ناشر و مصحح را به این نتیجه رسانده که ارائه‌ی ویراستی نو ضروری است؟

پاسخ هیچ کدام از این پرسش‌ها یافت‌شدنی نیستند، زیرا متأسفانه ناشر در آغاز کتاب هیچ یادداشتی نوشته است تا به تبار چاپی اثر خود اشاره‌ای کند، و دست‌کم وام‌انجمن آثار ملی و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی را بگذارد، بلکه نام همان مصصحان را (معین، مشکوه، بینش)، بی هیچ توضیحی، روی جلد کتاب آورده است؛ توضیحی هم ارائه نشده که چرا تصحیح بینش که متعلق به سه‌گانه‌ی «انجمن آثار ملی» نبوده هم در این چاپ تازه گنجانده شده است؟ یا آیا ناشران پیشین از حق نشر خود صرف نظر کرده‌اند؟ در عوض، کتاب همراه شده است با دیباچه‌ای بلند به قلم استاد صدوقی سنها، که نامی آشنا برای پژوهشگران فلسفه‌ی صدرایی است. اما ایشان نیز در دیباچه‌ی خود نشانه‌ای از پاسخی به این پرسش‌ها به دست نمی‌دهند یا اشاره‌ای به چاپ‌های پیشین بخش‌های مختلف کتاب نمی‌کنند. تو گویی [روانشادان] معین، مشکوه و بینش و ناشران پیشین خود به سراغ ناشر و دیباچه‌نویس رفته و از آنها خواسته‌اند ویراست‌شان را همراه با دیباچه‌ای نو به چاپ برسانند.

چاپ تازه‌ی دانش‌نامه به دست انتشارات مولی می‌توانست اخگر امیدی برای پاسخ به بسیاری از پرسش‌های فلسفی و تاریخی در چشمان پژوهشگران جوان روشن کند، و می‌بایست چنین می‌کرد، به ویژه که پیشگفتار چاپ تازه بسیار بلند است: در سه بخش («الف» تا «ج») و ۳۹ صفحه (از یازده تا چهل و نه)، به قلم چهره‌ای چون استاد صدوقی

سُها. خواننده‌ای که چاپ پیشین *دانشنامه* را می‌شناسد و بلکه آن را در اختیار دارد، نیک می‌داند که آن چاپ به پیشگفتاری از دکتر محقق آراسته بود (در ۲۸ صفحه) که در زمان نگارش‌اش روزآمد، سودمند و آموزنده بود، و هنوز هم از بسیاری کلی‌گویی‌ها درباره‌ی زندگی و آثار ابن سینا خواندنی‌تر است. از آنجایی که آن پیشگفتار در چاپ مولی حذف شده است، نهادن دیباچه‌ی تازه بر سر *دانشنامه* به خواننده این امید را می‌دهد که قرار است با آگاهی‌ها و دستاوردهای تازه‌ای پیرامون فلسفه‌ی ابن سینا و *دانشنامه* مواجه شود. این اخگر امید اما دولتی است مستعجل، چرا که این دیباچه، چنانکه نشان داده خواهد شد، نه پیوندی با زندگی فلسفی ابن سینا دارد و نه با *دانشنامه* و نه با ابن سینا پژوهی معاصر.

دلیل دیباچه‌نگار محترم برای این بی‌پیوندی از این قرار است که

چنینم در دل افتاد و بر سر گذشت که از سر آن که هر آنچه که به ما نحن فیه می‌باید گفت به افادات عالیات اساتید فقید سید محمد مشکوة الشریعی بیرجندی و دکتر محمد معین و تقی بینش [...] به دیباچه‌های آنان بر بخش‌های گوناگون کتاب که به طبع حاضر نیز زینت‌افزاست وارد است، روی در استطراد کنم و بدان ساحت نیز سخن مقصور گردانم [الخ] (صدوقی سها، ابن سینا ۱۳۹۴، الف)

و سپس به معرفی سه موضوعی می‌پردازد که در دیباچه به آنها خواهد پرداخت. این دیباچه‌ی بلند در پنج بخش تنظیم شده است: یک مقدمه (صص. یازده-دوازده)، سه بخش اصلی «الف: دلیل استمرار فلسفه در ایران از پی زوال آن از حوزة خلافت بغداد» (صص. دوازده-شانزده)، «ب: إشعار به وجود متون فلسفی در زبان پارسی» (صص. شانزده-سی و دو)، «ج: بحث در طریق اتصال خواجه پورسینا با معلم دوم فارابی» (صص. سی و دو-چهل و هشت)، و یک «خاتمه» (ص. چهل و نه).

دیباچه‌ی یادشده، در واقع هیچ چیز جدیدی درباره‌ی *دانشنامه* و نیز زندگی دانشورانه‌ی شیخ الرئیس نمی‌گوید. به واقع این دیباچه تهی است از هر آنچه خواننده از دیباچه‌ی یک نوشته‌ی کلاسیک چشم دارد. نه سخنی دارد از ویژگی‌های سبکی نوشتار ابن سینا، نه تأثیر احتمالی این نوشته در نویسندگان بعدی، نه دارای بحثی است در چگونگی باورها و آرای خواجه ربیع در *دانشنامه* در سنجش با دیگر نوشته‌های ایشان. اثری نیز از تحلیل متن و ساختار در آن وجود ندارد. به جای آن، دیباچه‌نگار نوشته‌ی خود را با کلیاتی پیرامون تداوم



علم و فلسفه میان ایران پیش از اسلام و ایران پس از اسلام می‌آغازد و پاره‌هایی بلند را از پژوهش‌ها و نوشته‌های دیگران در این باره نقل می‌کند (بخش «الف»). شیوه‌ی بازگویی پاره‌ها خود خالی از خرده‌گیری نیستند. برای نمونه، در بخش «ب» از دیباچه (صص. شانزده-سی و دو) پاره‌ای بلند از دکتر صدیقی همراه با پانوشته‌های ایشان باز آورده شده است؛ از آنجا که این پاره بسیار بلند است و پانوشته‌های صدیقی ظاهراً بعینها آورده شده‌اند، خواننده به آسانی در نمی‌یابد که آیا این پانوشته‌ها حاصل ژرف‌اندیشی‌های دیباچه‌نگار، آقای صدوقی سنها، آند یا تراوش‌های قلم صدیقی. این نقل قول‌ها پاره‌هایی اند برگرفته از صفحه‌های ۱۶-۶۰ از پیشگفتار صدیقی بر قراضه‌ی طبیعیات، که به دقت مشخص نشده است هر کدام از پاره‌ها از کدام صفحه تا کدام صفحه بازگفته شده‌اند و به‌گونه‌ای دلخواهانه گاه پانویس‌های صدیقی در دیباچه‌ی دانشنامه آورده شده‌اند و گاه نه (برای نمونه‌ی پانویس‌های صفحه‌ی ۳۲ از پیشگفتار صدوقی)، و باز روشن نیست چه مرجحی برای این آشفتگی در کار است. نقل قول اصلی با گیومه («») آغاز می‌شود و با «<>» پایان می‌یابد. از آنجا که دیباچه‌نگار محترم حاشیه‌ای بر این نقل قول‌ها نیافزوده است، خواننده ناگزیر به این نتیجه می‌رسد که ایشان با هر آنچه، صدیقی در پیشگفتار قدیمی‌اش (به سال ۱۳۳۲) نوشته، موافق است و در این بیش از نیم سده هیچ آگاهی تازه‌ای در این باب حاصل نشده است. به این صورت حدود نیمی از دیباچه به قلم دیباچه‌نگار و حاصل تبع او نیست. اگر در نظر بگیریم که بخش بزرگی از خوانندگان دانشنامه پژوهش‌گران فلسفه‌ی سنیوی هستند، این بخش از دیباچه دربرگیرنده‌ی هیچ نکته‌ی تازه‌ای برای آنان نیست.

بخش «ج» که به نوبه‌ی خود هیچ ارتباطی با دانشنامه ندارد، دربرگیرنده‌ی نظریه‌ی شخصی دیباچه‌نگار پیرامون زندگی دانشورانه‌ی ابن سینا است. این بخش با ادعایی شگرف آغاز می‌شود که نگارنده‌ی گرامی استدلالی برای آن ارائه نمی‌کند. ایشان می‌نویسد: «یکی از خصائص خاص‌الخاص تاریخ فلسفه در ایران همانا تسلسل ساری در حلقات فلاسفه است تا بدان جایگاه که ایدونا بتوانم سلسله‌ی اساتید خویش مسلسلاً با صدرالمآلهین متصل گردانم» (صدوقی سنها، ابن سینا ۱۳۹۴، سی و دو). این ادعا دارای دو بخش است، یکی آن‌که در پیوند است با یکی از ویژگی‌های فلسفه در ایران (و چرا نه در جهان اسلام؟) و دیگری مدعایی درباره‌ی خود دیباچه‌نگار. علاقه‌ی من اینجا بیشتر معطوف است به مدعای اول، که به زندگی دانشورانه‌ی ابن سینا مرتبط‌تر است. برای نگارنده روشن نیست

که چرا دیباچه‌نگار گمان می‌کند رابطه‌ی آموزگاری-شاگردی «یکی از خصائص خاص‌الخاص» فلسفه در ایران، و نه حتی دست‌کم در جهان اسلام، است. آن‌طور که من می‌فهمم قید «خاص‌الخاص» بناست نشان دهد که این ویژگی در هیچ سنت فلسفی دیگری یافت نمی‌شود. به روشنی می‌توان گفت که این داوری هرگز درست نیست؛ چرا این رابطه میان فیلسوفان یونان باستان (دوران هلنی)، یا فیلسوفان دوران یونانی‌گری (هلنیستی) یا فیلسوفان سُرّیانی برقرار نباشد؟ یا میان فیلسوفان لاتینی یا میان ایده‌آلیست‌های آلمانی و فیلسوفان نوکانتی؟ هرچه باشد فلسفه یک دانش است و دانش همواره آموزانده و آموخته می‌شود و نادر اند فیلسوفانی که مانند ابن سینا، آن‌طور که در زندگی‌نامه خودنوشت‌اش آورده، ادعای خودآموخته بودن داشته باشند.<sup>۸</sup> البته به نظر می‌رسد که دیباچه‌نگار خود به گونه‌ای وجود چنین پیوندی را در سنت‌های دیگر می‌پذیرد، زیرا چند سطر پس از این مدعا می‌نویسد «اتصال سلسله‌ی فارابی با حکمای اسکندرانیه مسلم است و مفروع عنه چنانکه نیز چنین است اتصال حکمای اسکندرانیه با حکمای آتن» (همان). با این توضیح، دیگر این ویژگی «یکی از خصائص خاص‌الخاص» تاریخ فلسفه در ایران نیست، بلکه ویژگی بدیهی هر دانشی است و فلسفه در این میان، و فلسفه در ایران ازین بابت، واجد هیچ خصیصه‌ی «خاص‌الخاص» ای نیست.

پس از این مدعای مبهم و نامستدل، دیباچه‌نگار رهسپار آن می‌شود که نشان دهد «نحوه‌ی اتصال شیخ رئیس با معلم دوم» را. این بخش خود بازگفت‌پاره‌ای است از نوشته‌ای دیگر از دیباچه‌نگار زیر نام «پدیدارشناخت تاریخ استعلایی فلاسفه‌ی اسلامی». این نقل قول بلند با «[» آغاز می‌شود، اما هرگز به «]» نمی‌رسد، با این وصف به نظر می‌رسد که نقل قول تا پایان بخش «ج» ادامه یافته باشد؛ تا آنجا که «طهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۹۲۹-۹۴۲» آمده است (این شیوه‌ی ارجاع و آوردن شماره‌ی صفحه‌ها نیز از نوآوری‌های این دیباچه است).<sup>۹</sup> به این ترتیب، دیباچه‌نگار برای بخش سوم دیباچه‌ی خود نیز چیز تازه‌ای ننگارده است.

بخش «خاتمه»ی دیباچه تنها جایی است که می‌توان امیدوار بود حاوی پاسخ به برخی پرسش‌های مطرح شده در ابتدای این بخش باشد. در اینجا نویسنده از سه پژوهش پیرامون *دانشنامه* یاد می‌کند: تصحیح و تحشیه‌ی سید احمد خراسانی از دو بخش منطق و الهیات در ۱۳۱۵، که دیباچه‌نگار از آن به گونه‌ای نادقیق چنین یاد می‌کند: «یکی از چند کار معدود

که در باب *دانش‌نامه* معمول افتاده است این است که مرحوم سید احمد خراسانی مطالبی متعدد بر آن تعلیق کرده است و مطبوع آورده *طهران، کتابخانه‌ی مرکزی، ۱۳۱۶*، و ذکری هم به میان نیاورده است که تصحیح خراسانی تنها منطق و الهیات را دربردارد و در آن نشانی از طبیعیات و دیگر دانش‌ها نیست. وانگهی، دکتر معین در ویرایش خود به این چاپ نظر داشته، حال آنکه به نظر نمی‌رسد چاپ جدید *دانشنامه* بیش از معین بهره‌ای از ویراست خراسانی برده باشد. ازینرو مشخص نیست چرا ذکری از آن به میان آمده، درحالی‌که چاپ تازه مشتمل بر دیباچه‌ی معین بر الهیات *دانشنامه* نیز هست، که در آن به طبع از ویراست خراسانی یاد شده. پژوهش دوّمی که دیباچه‌نگار از آن یاد کرده است، تصحیحی است از بخش موسیقی توسط سید هوشنگ میر مطهری، که دیباچه‌نگار اذعان دارد «هیچ ندانم که ایدونا اثر او به کجاست»، و خواننده را با این پرسش تنها می‌گذارد، که پس چرا از این تحقیق یاد شده است، به ویژه که خبری از چاپ‌ها و تحقیق‌های دیگر (مانند چاپ حیدر آباد) در میان نیست.<sup>۱۱</sup> سه دیگر، پایان‌نامه‌ای که به راهنمایی دیباچه‌نگار پیرامون «موسیقی در نظر ابن سینا» نوشته شده، و به ظاهر موردتحمین اوست، و تصحیحی از بخش موسیقی *دانشنامه* را نیز دربردارد. اما در این چاپ از این تصحیح نیز استفاده‌ای نشده است، و به واقع معلوم نیست چرا ایشان که بخش موسیقی *دانشنامه* را نیازمند به ویراستی تازه می‌دیده است، در این چاپ از تصحیح دانشجوی خود بهره نبرده. با این حساب، دیباچه‌ی بلند آقای صدوقی سها هیچ نکته‌ای پیرامون *دانشنامه* ندارد، و در اساس دیباچه‌ای نیست که برای این نوشته‌ی تک‌افتاده نوشته شده باشد، بلکه گزینه‌ای است از چند منبع مختلف که به دست دیباچه‌نگار محترم در یک نوشته گرد آمده، و توسط ناشر بر سر *دانشنامه* در جایگاه دیباچه نشسته است.

#### ۴. *دانش‌نامه* علایی: نقد شکلی و محتوایی

با وجود اینکه آقای صدوقی سها دیباچه‌ی چاپ تازه‌ی *دانشنامه* علایی را نگاشته‌اند، به نظر نمی‌رسد که کتاب زیر نظر و اشراف ایشان به چاپ رسیده باشد. زیرا، از نگاه نگارنده، چاپ تازه‌ی *دانشنامه* آلوده است به لغزش‌ها و کاستی‌هایی سیستماتیک و روشی که دورند از اینکه به چشم ایشان، که از پژوهشگران مشهور فلسفه در جهان اسلام است، نیامده باشند.

بزرگ‌ترین و نابخشودنی‌ترین این لغزش‌ها همانا برهم‌زدن نظم و ترتیب دانشنامه است. توضیح آنکه، از جنبه‌های درخور توجه دانشنامه نوآوری ابن سینا در ساختار و ترتیب علوم است. ابن سینا در دانشنامه، برخلاف سنت ارسطویی پیشین و نیز برخلاف شیوه‌ی نگارش خود در جامع‌های دیگرش، بر آن است که متافیزیک/الهیات را — که آن را علم برین و علم پیشین و فلسفه‌ی اولی می‌خوانند و چنان است که «اصل‌های همه‌ی علم‌ها اندر این علم درست شود» ولی «این علم را به آخر آموزند، هر چند به حقیقت اول است» — در سرآغاز دانش‌های فلسفی، و پس از منطق، که ابزار و ارگانون همه‌ی دانش‌هاست، و «به اول» بیاموزاند تا «لطفی به جای» آورده باشد (ابن سینا، ۱۳۳۱، الهیات، ۱۰-۸۰۶ [=ص. ۸، سطر ۱۰-۸]). این دگرگونی ساختاری تصمیمی خودسرانه یا دل‌به‌خواهی یا از سر «سلیقه و ذوق» نبود؛ نویسنده گمان قاطع دارد که می‌توان نشان داد که این دگرگونی ساختاری ریشه در ژرف‌اندیشی ابن سینا در ماهیت علم و نیز اسلوب آموزش علم دارد. مطابق باور ابن سینا و بازسازی دقیق او از آموزه‌های ارسطویی پیرامون علم (شناخت) در التحلیلات الثانیة (Analytica Posteriora)، هر علمی دارای موضوع یگانه‌ای است، و هیچ علمی نمی‌تواند اصول خود را در خود آن علم اثبات کند، بلکه اصل‌های هر علم در علم دیگری اثبات می‌شوند که از نظر رتبه در پایه‌ای برتر از آن علم است.<sup>۱۲</sup> برای نمونه، دانش طبیعیات، یا دانشمند طبیعیدان، نمی‌تواند با استفاده از ابزارهای تحلیلی دانش فیزیک وجود جسم و ساختار جسم را (اینکه مثلاً ترکیبی از ماده و صورت است یا از اجزای لا یتجزی) ثابت کند. بلکه اینها مبادی این دانش هستند و طبیعیدان، و نیز دانشجوی فیزیک، باید آنها را به صورت اصل بپذیرد و پیشفرض بگیرد. به این ترتیب، این دگرگونی ساختاری ارزش فلسفی درخور اعتنایی دارد که شایسته‌ی بررسی دقیق در سنجش با دیگر آثار ابن سینا و فلاسفه‌ی سنیوی پس از ابن سینا است. بازتاب این دگرگونی ساختاری در التحصیل بهمینار ارزش فلسفی کار ابن سینا را بیش‌ازپیش برجسته می‌کند.

ترتیب اصیل و درست دانشنامه از این قرار است: منطق (که علم ترازوست و ابزار دانش)، الهیات/متافیزیک (علم برین، فلسفه‌ی اولی)، طبیعیات/فیزیک (علم زیرین)، هندسه، هیئت، ارثماطیقی و موسیقی. شگفتا که در چاپ مولی از دانشنامه دانش‌های فلسفی بر این ترتیب عرضه شده‌اند: منطق، طبیعیات، موسیقی و الهیات. و کماکان خبری از هندسه، هیئت و ارثماطیقی در دانشنامه نیست.<sup>۱۳</sup> شوربختانه با سهل‌انگاری نابخشودنی

ناشر، نه تنها نوآوری بی‌باکانه‌ی خواجه رییس نادیده‌انگاشته و هدر شده است، که برخی جملات او نیز دیگر معنایی افاده نمی‌کنند. برای نمونه در آنچه ابن سینا درباره‌ی الهیات در *دانشنامه* می‌گوید، «و این علم را به آخر آموزند، هر چند به حقیقت اول است، و لیکن ما جهد کنیم که به اول بیاموزانیم» (همان)، خواننده نخواهد فهمید منظور ابن سینا از این که می‌کوشد متافیزیک را نخست و پیش از دانش‌های دیگر بیاموزاند چیست، چون بخش الهیات به تشخیص ناشر (یا دیباچه‌نگار؟) در پایان مجموعه‌ی *دانشنامه* آورده شده است. شایسته بود آنگاه که انتشارات مولی قصد آن کرد که چاپ تازه‌ای از *دانشنامه* را روانه‌ی بازار کتاب کند، هم با کسی، که روی نوشته کار پژوهشی انجام داده، رایزنی می‌کرد تا مرتکب این اشتباه نشود، و هم بخش‌های نویراسته را برای ویرایش به کسی وامی‌گذارد و آن‌ها را با ویرایشی هماهنگ با دیگر بخش‌ها همراه با کار معین - مشکوه‌بینش منتشر می‌نمود.

دیگر ایراد چاپ تازه‌ی *دانشنامه* این است که در آن شماره‌ی صفحه‌های نسخه‌های انتقادی مرجع و شماره‌ی خط‌های ویراست معین از الهیات نیامده است (شوربختانه بخش‌های منطق، طبیعیات و موسیقی در نسخه‌های مرجع نیز شماره‌ی خط ندارند). از این رو چاپ تازه‌ی *دانشنامه* برای بسیاری از پژوهشگران فلسفه‌ی ابن سینا خالی از فایده خواهد بود، زیرا پژوهشگران معمولاً به متن منقح انتقادی یگانه‌ای ارجاع می‌دهند تا از گمراهی خوانندگان جلوگیری کنند. در حالی که این چاپ جدید، اگرچه حاوی نسخه بدل‌های مشکوه‌معین است، شماره‌ی صفحه و خط‌های نسخه‌ی چاپ اصلی را به هم ریخته است، هر چند هر کدام از بخش‌ها دوباره و جداگانه از «۱» هم شمارش شده‌اند؛ مانند «علم الهی / ۱» در صفحه‌ی ۳۰۹ از کل کتاب.

این به هم ریختگی عواقب ناخواسته‌ای با خود به همراه دارد. برای نمونه (به رغم زحمت فراوانی که ناشر برای صفحه‌بندی کتاب کشیده) تفاوت‌های اندک در صفحه‌بندی چاپ اصلی با چاپ مولی باعث شده تا برخی از ارجاع‌های درونی ویرایشگران در کتاب بی‌معنی شوند. برای نمونه، معین در پایان مقدمه‌ی خود بر بخش الهیات سیاهه‌ای از دست‌نویس‌های مورد استفاده‌ی خود را برمی‌شمرد و کوه نام آنها را به آگاهی خواننده می‌رساند و سپس او را برای به دست آوردن آگاهی بیشتر به بخشی از مقدمه‌ی خود رهنمون می‌شود که در آنجا دست‌نویس‌های شناسایی شده را توصیف کرده است.

در پایان توضیح ایشان برای کوتاه‌نام «مک ۱» آمده است «رجوع به صفحه‌ی یز: ۳ شود» (چاپ مولی، ۳۰۷)، اما با رجوع به صفحه‌ی «یز» نمی‌توان توضیحی درباره‌ی دست‌نویس مک ۱ یافت، چرا که در صفحه‌بندی تازه، این توضیح به صفحه‌ی «ید» جابجا شده است. به همین گونه توصیف «مک ۲» از «یط» در چاپ اصلی به صفحه‌ی «یه» در چاپ مولی جابجا شده است (روی هم رفته، مقدمه‌ی معین در صفحه‌بندی چاپ مولی شش صفحه کم‌تر از چاپ اصلی جا گرفته است). نمونه‌ای دیگر: معین در مقدمه‌ی خود به جای توصیف نسخه‌ی «ق» خواننده را به توصیف مشکوٰه از این نسخه در مقدمه‌ی طبیعیات ارجاع می‌دهد و می‌نویسند «رجوع به مقدمه‌ی بخش طبیعی دانشنامه‌ی مصحح آقای مشکوٰه صفحه‌ی ۷» (معین، ابن سینا ۱۳۳۱، الهیات، یو). هنگامی که خواننده به مقدمه‌ی مشکوٰه می‌نگرد اما اثری از صفحه‌ی ۷ نمی‌یابد، چون ناشر کتاب مقدمه‌ی مشکوٰه را نیز با حروف نشانگذاری کرده است و توضیح یادشده در صفحه‌ی «و» است؛ هم‌چنین در دیگر موارد.

افزون بر این در همین صفحه از مقدمه‌ی معین (چاپ مولی، ۲۹۲، علم الهی/ح) پانویسی هست که در آن از «انجمن آثار ملی» یاد شده است. اما این پانویس برای خواننده‌ی چاپ مولی به سختی معنادار است، چرا که ناشر بر چاپ خود سخنی ننوشته است تا به تبار چاپی کتاب اشاره کند، و نه در هیچ کجای دیباچه به نقش «انجمن آثار ملی» در فراهم آوردن دانشنامه اشاره‌ای شده است. گرچه در مقدمه‌ی بخش طبیعی آقای مشکوٰه از «انجمن آثار ملی» یاد می‌کند، ولیک این یادکرد در میانه‌ی کتاب است و نه در دیباچه‌ی کتاب (چاپ مولی، ۱۲۰، علم طبیعی/ب). این کژی‌ها نشان‌گر آن‌اند که ناشر محترم دقت کافی در چاپ خود به خرج نداده است، و تنها متن‌های تایپ شده را در کنار یکدیگر قرار داده، بی‌آنکه کسی را بدان بگمارد که حاصل کار را نمونه‌خوانی کند، یا اگر کسی بدین کار گماشته شده بوده، وی این کار را با دقت شایسته و بایسته انجام نداده است.

در نگاه به نوشتار کتاب نیز باید گفت که خود متن مشکوٰه-معین-بینش در چاپ انتشارات مولی هیچ تفاوتی با چاپ‌های پیشین ندارد، نه در رعایت قواعد نوین خط فارسی، همچون جدانویسی یا سرهم‌نویسی، و نه در رعایت دستورهای سجاوندی. چه بسا که گاه کاستی‌ها و اشتباهات تایپی نسخه‌های پیشین را با خود به نسخه‌ی فعلی

منتقل کرده است: مانند «ایشانرا» (معین، ۱۴۰۳۶) و «ایشانرا» (چاپ مولی، ۳۴۲) به جای «ایشان را»، «زندکی» (مشکوئه، ۳۸۰۴) و «زندکی» (چاپ مولی، ۳۱) به جای «زندگی». هر چند از این دست اشکال‌ها در چاپ تازه اندک است و گاه اشکالات تایپی چاپ پیشین تصحیح شده‌اند؛ مانند «اندر وی» (چاپ مولی، ۳۴۳) به جای «اندوری» (معین، ۱۰۳۸).

در سرتاسر بخش علم طبیعی، به جای یایِ نکره (ای) در آخر اسم‌های منتهی به «های غیر مفلوظ»، یعنی به جای «ای» [=در نسخه‌ای]، از «یای بریده/کوتاه (ه)» استفاده شده است، برای نمونه در «به درجه مغلوط [=به درجه‌ای مغلوط]» یا «نسخه که [=نسخه‌ای که] این نسخه را از روی آن نویسانیده‌اند». این شیوه‌ی نگارش که در چاپ اصلی بخش طبیعیات دیده می‌شود، افزون بر این که شیوه‌ی نگارش بسیار نادری است، و احتمالاً شیوه‌ی نگارش نسخه‌ی مبنای مشکوئه را بازتاب می‌دهد، با دیگر بخش‌های چاپ مولی هماهنگی ندارد. همچنین به این ترتیب در این بخش از نظر نگارشی تفاوتی میان «نسخه‌ی/نسخه» و «نسخه‌ای/نسخه» وجود ندارد. شیوه‌ی نگارش کمیاب چاپ اصلی در مورد «قراءتها [=قرااتها]»، «حاله‌ها [=حاله‌ای]»، «رطوبته‌ها او [=رطوبت‌های او]» نیز کماکان در چاپ مولی مشاهده می‌شود.

میان شکل ساختاری بخش موسیقی (ویراسته‌ی بینش) و بخش‌های دیگر (مشکوئه-معین) اختلافی وجود دارد که مشخص نیست به چه دلیل رخ داده است: در حالی که در بخش‌های منطق، طبیعیات و الهیات، نسخه‌بدل‌ها و حاشیه‌های ویراستاران، هر دو، در پای صفحه‌ها آمده‌اند، در بخش موسیقی نسخه‌بدل‌ها (بینش از دو نسخه موزه‌ی لندن و موزه‌ی ملک استفاده کرده است) به صورت دو ستونه در پایان این بخش آورده شده‌اند. این اختلاف، افزون بر اینکه به دلیل ناهماهنگی با دیگر بخش‌های کتاب شکلی نازیبا به این بخش داده، باعث زحمت خواننده‌ای می‌شود که ۲۱۰ صفحه از کتاب را با سبکی دیگر خوانده و قرارست پس از این بخش ۱۵۰ صفحه‌ی دیگر را نیز به همان سبک نخست بخواند.

ناهماهنگی‌ها و کاستی‌های تایپی، نگارشی و صفحه‌بندی کتاب شاید نشانگر آن باشند که کار تهیه و تایپ بخش‌های مختلف کتاب به دست یک نهاد/نفر انجام نشده است. تو گویی نسخه‌های تایپ شده‌ی سه بخش منطق، الهیات و طبیعیات — با هم‌هی ناهماهنگی‌هایی که به چاپ تازه راه یافته‌اند — از منبع دیگری به جز منبع نسخه‌ی

تایپ‌شده‌ی بخش موسیقی فراهم آمده‌اند؛ به بیانی دیگر، انگار آن سه بخش به دست یک آدم/نهاد تایپ شده‌اند و بخش موسیقی به دست آدم/نهاد دیگری. یا فراتر از این، اختلاف مذکور در شیوه‌ی املا‌ی بخش‌های مختلف ممکن است این ظن را به ذهن متبادر کند که ناشر زحمت تایپ و حروف‌چینی مجلد را به خود نداده، و از متنی آماده (مانند متن دانشنامه در نرم افزار حکمت یا کتابخانه‌ی حکمت اسلامی) استفاده کرده است.

افزون بر این، همین که ناشر ویراست‌های مختلف از بخش‌های یک نوشته‌ی یگانه را، که جدا جدا و بر اساس دست‌نوشته‌های متفاوت و گاه بی پیوند با هم ویرایش شده‌اند، در کنار یکدیگر قرار داده است، خواننده‌ی پژوهشگر را در رسیدن به داوری نهایی در مورد دست‌نویس‌ها به دردسر می‌اندازد. برای نمونه، دست‌نویس ملک‌مورد استفاده‌ی بیش یکی از نسخه‌های مورد استفاده‌ی معین (مک ۱) است (در کنار مک ۲)، اما خواننده نمی‌تواند با مقایسه‌ی بخش موسیقی و بخش الهیات به چنین نتیجه‌ای برسد، بلکه ناگزیر است از جست‌وجوی فراوان، و در پایان پاسخ خود را در مقدمه‌ی معین بر بخش الهیات می‌یابد، آن‌جا که ایشان توضیح می‌دهند «مک ۲» تنها بخش‌های منطق، الهیات و طبیعیات را دربرمی‌گیرد (چاپ مولی، ۱۳۹۴، ۲۹۹)، ولی مقدمه‌ی معین، از روی سهل انگاری ناشر، پس از بخش موسیقی قرار داده شده است.

## ۵. نتیجه‌گیری

با این توضیحات، باید گفت تنها مزیت چاپ تازه‌ی انتشارات مولی از دانشنامه‌ی علایی در این است که هست برعکس چاپ‌های پیشین که دیری‌ست دیگر نیستند. جلد کتاب هم زیباست و فونت و تایپ کتاب بهتر از چاپ‌های قدیمی است، که امروز به صورت دیجیتال در اختیار همه‌ی ابن سینا پژوهان در سرتاسر گیتی قرار دارند. اما لغزش‌ها و کاستی‌های یادشده این فرصت را از چاپ تازه می‌گیرند تا در محیط‌های دانشگاهی و پژوهشی به واقع جایگزین چاپ‌های پیشین شود. با این همه، دانشنامه می‌تواند و می‌باید در جایگاه یک متن درسی برای آموزش فلسفه‌ی سینایی در دانشگاه‌ها مورد استفاده‌ی دانشجویان و استادان قرار گیرد، به ویژه برای دانشجویانی که هنوز به خواندن نوشته‌های عربی شیخ‌الرئیس خو نگرفته‌اند، چنانکه در دوران میانه دانشنامه چنین جایگاهی نزد فارسی‌زبانان در سرتاسر جهان فارسی‌خوان داشته است. پژوهشگران جا افتاده‌ی فلسفه‌ی



ابن سینا نیز بایست به *دانشنامه* با جدیت بیشتری بنگرند و آن را در کنار نوشته‌های عربی خواجه رییس و هم ارزش با آنها در کانون بررسی‌های خود جای دهند. *دانشنامه‌ی علایی* اثری است گرانسنگ، اما مظلوم و مهجور، که تا امروز نادیده گرفته شده است. بیشتر به این گمان استوارناشده که نوشته‌های فلسفی فارسی برای مبتدیان نگاشته می‌شدند، و فیلسوفان متبحر بایست بر نوشته‌های عربی درنگ کنند، و گاه به این باور کم‌بنیاد که *دانشنامه* خود ترجمه‌ای از پاره‌هایی به زبان عربی است که اکنون بیشینه‌ی آنها در دسترس ما نیستند. اینکه ناشر محترم و دیباچه‌نگار گرامی آن را حتی درخور صرف وقت و دقت و انرژی بیشتری ندانسته‌اند خود گواهی دیگر است بر این مهجوریت. شایسته است فارسی‌زبانان وام خود را به این [شاید] نخستین نوشته‌ی جامع در فلسفه به زبان فارسی دری ادا کنند و به پژوهش و ویرایش و بررسی نظام‌مند آن پردازند، تا زحمت نگارنده‌ی آن بی‌ارج نماند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. در درازنای تاریخ فلسفه، از ابن سینا با لقب‌های گوناگون مانند پور سینا، خواجه رییس، شیخ‌الرئیس، شیخ رییس، ابو علی و حجة الحق یاد شدست. نامی که انتشارات مولی برگزیده «شیخ رئیس» است.
۲. مشخصات کتاب از این قرارست: معین، محمد، سید محمد مشکوه و تقی بینش (مقدمه، حواشی و تصحیح)، شیخ رئیس ابوعلی سینا: *دانشنامه‌ی علایی، منطق، طبیعیات، موسیقی، الهیات*. دیباچه از منوچهر صدوقی سنها. تهران: انتشارات مولی، ۱۳۹۴.
۳. به گمان گوتاس *دانشنامه* از آثار دوره‌ی میانی در اندیشه‌ی ابن سینا است و پس از *شفاء و نجات* و پیش از *اشارات و حکمه‌المشرقیین* نوشته شده است. پیرامون زمان نگارش اشارات یحیا میشو با گوتاس اختلاف دارد. میشو بر این باور است که ابن سینا *الاشارات والتنبیحات* را به‌عنوان یک درسنامه برای بهمنیار مرزبان و به منظور آموزش شاگردان بهمنیار نوشته است و این نوشته متعلق به زمانی است بسیار پیشتر از ۴۲۱-۴۲۵/۱۰۳۰-۱۰۳۴ که پیشنهاد گوتاس برای نگارش *اشارات* است. بنگرید به: Michot (2014).
۴. جامع یا سوما (*summa*) ژانری نوشتاری است در فلسفه که در آن یک نویسنده، بر اساس طرحی از پیش اندیشیده، دست به نگارش همه‌ی دانش‌های فلسفی در یک مجموعه (ازاینزو: جامع) می‌زند. شیخ‌الرئیس را مبدع این ژانر در تاریخ فلسفه می‌دانند. بنگرید به: Bertolacci 2006: 265.

۵. برای مشخصات کتابشناسی چاپ انجمن آثار ملی، بنگرید به: «منابع». در اینجا آن را «چاپ اصلی» می‌خوانم.
۶. البته نه نخستین: *التفهیم ابوریحان بیرونی* (۴۲۰ ه.ق). کمابیش همزمان با *دانشنامه* است. و نیز نوشته‌هایی در پزشکی بسی پیش از این دو نگارش شده‌اند: *هدایة المتعلمین فی الطب* از ابوبکر الأخوینی البخاری (حدود ۳۷۰ ه.ق.) و *دانشنامه در علم پزشکی* (حدود ۳۶۷ تا ۳۷۰ ه.ق.) از حکیم میسری هر دو قدیمی‌تر از *التفهیم* و *دانشنامه* اند. *کشف المحجوب ابویعقوب سجستانی* نیز احتمالاً پیش از *التفهیم* و *دانشنامه* نوشته (یا شاید ترجمه) شده است.
۷. این که *مقاصد الفلاسفة* غزالی ترجمه‌ای است [آزاد] از *دانشنامه*، و نیز اینکه *التحصیل بهمینار* مرزبان بر پایه‌ی *دانشنامه* نگاشته شده است، گواه اند بر گستردگی بهره‌برداری از این اثر. برای نکته‌ی گفته شده در مورد *التحصیل* بنگرید به گواهی خود بهمینار در: بهمینار، ۱۳۷۵، ۲.
۸. به نظر گوتاس غرض ابن سینا از نگارش *زندگینامه‌اش*، مستندسازی فراز و نشیب زندگی‌اش نبود. بلکه او می‌خواست از طریق این *زندگینامه* نمونه‌ای عینی برای نظریه‌ی معرفت‌شناختی ویژه‌ی خود فراهم آورد. بنگرید به: Gutas (2012).
۹. از آن‌جا که استدلال مطرح شده نقل قولی است از کتابی دیگر، و نگارنده آگاه نیست که آیا همه‌ی منابع آن در دیباچه ذکر شده است یا نه، در اینجا به محتوای آن نپرداخته است.
۱۰. نقدی بر سال چاپ و ناشر ندارم؛ چه بسا استاد چنین چاپی را در دسترس داشته‌اند. مشخصات چاپ اول در پیشگفتار معین بر الهیات از *دانشنامه* (کد-که در چاپ اصلی و ک در چاپ مولی) آمده است.
۱۱. از این دسته است: مقربی، ۱۳۹۱. شوربختانه، محقق در این چاپ همگی اطلاعات مربوط به نسخه بدل‌ها (critical apparatus) را به این دلیل ناپذیرفتنی که «تنها برای عده‌ای معدود از متخصصان و نسخه‌شناسان مناسب و سودمند است» حذف کرده است. اثری از شماره‌ی صفحات ویراست مشکوه نیز در کار نیست. در نتیجه، این چاپ را نمی‌توان نسخه‌ی دانشجویی (student edition) نیز تلقی کرد، چون هیچ پیوندی با ویرایش انتقادی ندارد. به کار بردن عنوان مصحح روی جلد کتاب برای آقای مقربی نیز به ناچار نادرست است.
۱۲. در این باره، بنگرید به فصل‌های آغازین از *مقاله اول الهیات شفاء*، نیز به فصل‌های آغازین کتاب‌های دیگر *شفاء* مانند *مدخل*، *مقولات* و *طبیعیات*. ابن سینا در آغاز هر کتاب و هر علمی، بخشی درخور توجه را به بحث پیرامون موضوع، مبادی، پرسش‌ها و دامنه‌ی آن علم اختصاص داده است. همچنین بنگرید به کتاب برتولاچی (۲۰۰۶) که نشان می‌دهد ابن سینا

ویراست / تصحیح تازه‌ای که تازه نیست: ... (حنیف امین پیدختی) ۸۷

نخستین فیلسوف در پهنه‌ی تاریخ فلسفه است که به گونه‌ای نظام‌مند به پرسش علم و موضوع علم و مختصات آن، به ویژه پیرامون علم متافیزیک/الهیات، پرداخته است.

۱۳. بنگرید به بخش «از حیدر آباد تا همدان: پیشینه‌ی تصحیح دانشنامه‌ی علایی» از نوشته‌ی پیش‌رو.

## کتاب‌نامه

- ابن سینا، شیخ رئیس (۱۳۳۱)، *طبیعیات دانشنامه‌ی علایی*. تصحیح، مقدمه و تعلیقات: سیدمحمد مشکوه. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی. [بازچاپ: دانشگاه بوعلی سینای همدان و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳]
- ابن سینا، شیخ رئیس (۱۳۳۱)، *الهیات دانشنامه‌ی علایی*. تصحیح، مقدمه و تعلیقات: محمد معین. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی. [بازچاپ: دانشگاه بوعلی سینای همدان و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳]
- ابن سینا، شیخ رئیس (۱۳۳۱)، *رساله‌ی منطق دانشنامه‌ی علایی*. تصحیح، مقدمه و تعلیقات: محمد معین و سید محمد مشکوه. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی. [بازچاپ: دانشگاه بوعلی سینای همدان و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳]
- ابن سینا [منسوب] (۱۳۳۲)، *قراضه‌ی طبیعیات*. تصحیح، مقدمه و تعلیقات: غلامحسین صدیقی. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- ابن سینا (۱۳۸۰/۱۹۶۰ ه.ق.)، *الشفاء، الإلهیات*، دو جلد. تصحیح و مقدمه: ابراهیم مدکور و دیگران. قاهره: الهيئة العامة لشئون المطابع الأميرية.
- ابن سینا (۱۳۷۱/۱۹۵۲ ه.ق.)، *الشفاء، المنطق، المدخل*. تصحیح و مقدمه: ابراهیم مدکور و دیگران. قاهره: المطبعة الأميرية، ۱۳۷۱/۱۹۵۲ ه.ق.
- ابن سینا (۱۳۷۸/۱۹۵۹ ه.ق.)، *الشفاء، المنطق، المقولات*. تصحیح و مقدمه: ابراهیم مدکور و دیگران. قاهره: الهيئة العامة لشئون المطابع الأميرية.
- ابن سینا (۱۳۶۰)، *دانش‌نامه‌ی علایی، منطق و فلسفه‌ی اولی*. تصحیح و مقدمه: سید احمد خراسانی. تهران: کتابخانه‌ی فارابی (چاپ نخست، تهران: شرکت مطبوعات و چاپ: ۱۳۱۵).
- ابن سینا و دیگران (۱۳۷۱)، *سه رساله‌ی موسیقی در فارسی، موسیقی دانشنامه‌ی علایی، موسیقی رسائل اخوان الصفاء، کنز التحف*. تصحیح و مقدمه: تقی بینش. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

ابن سینا (۱۴۰۵ ه.ق.)، الشفاء، الطبيعيات، السماع الطبيعي. تصحيح و مقدمه: ابراهيم مدكور و سعيد زايد. قم: منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي.

ابن سینا، شيخ رئيس (۱۳۹۴)، دانشنامه‌ی علائی، منطقی، طبيعيات، موسيقي، الهيات. تصحيح، مقدمه و تعليقات: محمد معين، سيد محمد مشکوه و تقى بينش. ديپاچه: منوچهر صدوقى سها. تهران: مولی.

ابن سینا (۱۳۹۱)، رساله‌ی منطقی دانشنامه‌ی علائی، همراه با واژه‌نامه‌ی توصیفی. متن و شرح: نواب مقربى. مقدمه: قاسم پورحسن. تهران: انتشارات بنیادِ صدا.

### دیگران:

بهمنبار بن مرزبان (۱۳۷۵)، التحصيل. تصحيح و مقدمه: مرتضى مطهرى. تهران: دانشگاه تهران.  
بيرونى خوارزمى، ابوريحان محمد بن احمد (۱۳۵۱)، كتاب التفهيم لأوائل صناعة التنجيم. تصحيح و مقدمه: جلال الدين همایى. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.

الغزالی، حجة الاسلام أبى حامد (۱۴۲۰/۲۰۰۰ ه.ق.): مقاصد الفلاسفة. تصحيح: محمود بيجو. دمشق: مطبعة الصباح.

متینی، جلال (بهار ۱۳۴۴)، «هدایة المتعلمين فى الطب، قديمی ترين كتاب طبي فارسى»، در: مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد ۱/۱: ۴۹-۶۲.

متینی، جلال (پاییز ۱۳۵۱)، «درباره‌ی دانشنامه‌ی میسرى»، در: مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد ۳/۳۱: ۵۹۳-۶۲۸.

متینی، جلال (پاییز ۱۳۵۲)، «حدود ابتکار ابوریحان بیرونى در ساختن لغات علمى فارسى»، در: مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد ۳/۳۵: ۴۳۳-۴۴۵.

Avicenna (1955), *Le livre de science*. Trad. Mohammad Achena and Henri Massé. Paris: Les Belles Lettres. [2<sup>nd</sup>, Rev. Ed. ۱۹۸۶].

Avicenna (1971), *Avicenna's Treatise on Logic: Part One of Danesh-name Alai*. Trans. Farhang Zabeeh. The Hague: Martin Nijhoff.

Avicenna (1973), *The Metaphysica of Avicenna: (ibn Sīnā), A critical translation-commentary and analysis of [...] the Dāniṣh Nāma-i 'alā'ī*. By: Parviz Morewedge. New York: Columbia University Press.

Avicenna (1988), *The physics of Avicenna (A translation and commentary upon the physics proper of the "Tabiy'yyat" of Avicenna's "Danish Nana-i Alai" [sic.])*. By: Jamila Jauhari. Ph.D. Dissertation: Fordham University.

Bertolacci, Amos (2006), *The Reception of Aristotle's Metaphysics in Avicenna's Kitāb al-Šifā': A Milestone of Western Metaphysical Thought*. Leiden: Brill.

ویراست / تصحیح تازه‌ای که تازه نیست: ... (حنیف امین پیدختی) ۸۹

Gutas, Dimitri (2012), "AVICENNA ii. Biography," *Encyclopædia Iranica*, III/1, pp. 67-70, [online: <http://www.iranicaonline.org/articles/avicenna-ii>].

Gutas, Dimitri (2014), *Avicenna and the Aristotelian Tradition: Introduction to Reading Avicenna's Philosophical Works*. Leiden: Brill, 2<sup>nd</sup> revised edition.

Michot, Yahya (2014), "Avicenna, Bahmanyâr and the 'Ishârât,'" presented in London, June 8, 2014 (forthcoming).